بررسی انگیزه‌های افراد از قصد مشارکت در فعا لیت‌های ورزشی (آزمون تجربی نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده)

مهربان پارسامهر*

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۳

چکیده

در این مطالعه نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده به منظور درک بهتر قصد مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی به کار رفته است. پژوهش با روش پیمایشی و به صورت مقطعی انجام شده است. داده‌های این پژوهش از ۳۶۰ نفر از دانشجویان دانشگاه یزد جمع‌آوری شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مقیاس اصلاح‌شده رفتار برنامه‌ریزی‌شده بوده است. آزمون تجربی مقیاس ارائه‌شده به افراد مشارکت‌کننده نشان داد که سؤالات پرسش‌نامه دارای پایایی بالاتر از ۰/۷۵ بوده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد سه متغیر نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده، و هنجارهای ذهنی با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه مثبت قوی دارند. یافته‌های رگرسیون گام به گام نشان داد که نگرش در قدم اول و کنترل رفتار ادراک‌شده در قدم دوم و هنجارهای ذهنی در قدم سوم از عوامل اصلی در مقیاس رفتار برنامه‌ریزی‌شده بوده‌اند. متغیرهای مستقل (نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده، هنجارهای ذهنی) ۴۷/۵درصد از واریانس متغیرهای رفتار برنامه‌ریزی‌شده را تبیین کرده‌اند تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیرهای نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده، و هنجارهای ذهنی توانسته‌اند بخشی از واریانس متغیر تحت مطالعه را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: نگرش، هنجارهای ذهنی، قصد، رفتار ادراک‌شده.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

مقدمه

محققان ورزشی مدت‌هاست درپی شناخت عوامل تأثیرگذار بر قصد افراد از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی هستند. پیش‌بینی می‌شود که شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی امکان افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را فراهم آورد. جذب افراد به ورزش صرفاً فواید جسمانی ندارد، بلکه منافع سرشار دیگری را به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، درک عواملی که بر رفتار مشارکت‌کنندگان در ورزش تأثیرگذار هستند می‌تواند منافع مستقیم و غیرمستقیمی را برای افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی به‌دنبال داشته باشد. محققان درپی شناخت عوامل مرتبط با رفتارهایی هستند که بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی مؤثرند. پژوهش‌های زیادی درجهت شناخت عوامل مرتبط انجام گرفته است. ازجمله این پژوهش‌ها، پژوهش ترایل و جیمز (۲۰۰۱) است که مقیاس انگیزه مصرف ورزش[1](MSSC) را برای شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت در ورزش طراحی کرده و به‌کار گرفته‌اند. این مقیاس درپی تبیین علل مشارکت افراد در فعالیت های ورزشی بوده است(۱). اسلاک (۱۹۹۸) درجهت بسط شناخت عوامل مرتبط با مشارکت در ورزش مقیاس مشابهی را برای شناخت انگیزهای افراد از مشارکت در ورزش به‌کار برد (۲). می‌توان بیان کرد که این مقیاس‌ها پایه محکمی برای شناخت انگیزه‌های افراد برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی فراهم کرده‌اند.

لیوایس و همکاران (۲۰۰۰) بیان کرده‌اند بهترین و رضایت‌بخش‌ترین مقیاس‌ها آنهایی هستند که برمبنای دیدگاه‌های نظری تبیین روابط بین متغیرها را انجام می‌دهند. بنابراین اغلب پژوهشگران برای انجام پژوهش‌هایشان به چشم‌انداز نظری روی می‌آورند (۳). این مطالعه برمبنای متغیرهای مطرح در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده آجزن (۱۹۸۵) صورت گرفته است. نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده نشان داد نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده قصد فرد را برای شرکت در فعالیت خاص پیش‌بینی می‌کنند (۴). از این جهت، این پژوهش از نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده جهت شناخت عوامل مرتبط با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی سود برده است. نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در پژوهش‌های نظری و عملی روان‌شناسی به‌کار می‌رود و بنیان نظری و تجربی دارد. و پژوهش‌های مختلف نشان داده است که نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در زمینه‌های گوناگونی مانند ورزش(۵)، پزشکی(۶)، اوقات فراغت(۷) و حتی بازاریابی(۸) برای پیش‌بینی رفتار معتبر بوده است.

دارکر و همکاران (۲۰۰۷) برای سنجش قصد مشارکت افراد مسن در پیاده‌روی، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده را به‌کار گرفتند. نتایج نشان داد که این ابزار مقیاس قابل اطمینانی برای بررسی قصد مشارکت افراد مسن در ورزش است. در این بررسی همچنین مشخص شد که هنجارهای ذهنی پیش‌بین مؤثری برای قصد مشارکت در پیاده‌روی بین افراد مسن بوده است (۹). فرنچ و همکاران (۲۰۰۵) قابلیت کاربرد نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده را در زمینه پیش‌بینی قصد افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی به‌کار گرفتند. آنها دریافتند

1- Motivation Scale for Sport Consumption

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

که نگرش و هنجارهای ذهنی عامل‌های مهمی برای قصد مشارکت در فعالیت‌های بدنی بوده‌اند (۱۰). سیمونز و دیگران (۲۰۰۵) در بررسی تجربی خود درباب قصد مشارکت در ورزش نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده را به کار گرفتند آنها در بررسی خود دریافتند متغیرهای مطرح در این نظریه قادر است نزدیک به نیمی از واریانس قصد افراد را از شرکت در فعالیت‌های بدنی تبیین کند (۱۱). متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در پژوهش‌های جکسون و همکاران (۲۰۰۳)، و کاسما و همکاران (۲۰۰۷) و کیم (۲۰۰۴) در حوزه ورزش و فعالیت بدنی برای سنجش قدرت تبیین متغیرهای مطرح در نظریه به‌کار گرفته شدند (۱۲،۱۳،۱۴). نتایج نشان از قدرت تبیینی مناسب متغیرهای مطرح در این نظریه دارد.

با توجه به اینکه در حوزه مشارکت در فعالیت‌های ورزشی با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده به صورت خاص در جامعه ما پژوهشی انجام نگرفته بود، به‌کارگیری این نظریه برای شناخت دلایل افراد از مشارکت در ورزش می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. بنابراین انجام پژوهشی درباب دلایل افراد از مشارکت در ورزش با استفاده از متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده و سنجش توانایی قدرت تبیین متغیرهای این نظریه در جامعه ما ضروری می‌نمود. ما از مدل نظری برگرفته از نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در این پژوهش استفاده کردیم تا مشخص کنیم آیا بین متغیرهای مطرح در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده و رفتار پیشین) با مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی رابطه وجود دارد؟ دیگر اینکه تا چه اندازه متغیرهای مطرح در مدل نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده می‌توانند مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی را تبیین کنند یا خیر.

آجزن (۱۹۸۵) از نظریه کنش منطقی برای بسط و توسعه نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده استفاده کرد (۴). نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده به ملاحظه کنترل ادراک‌شده بر رفتار توجه دارد. نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده می‌پذیرد که قصد در انجام رفتار قدرتمند است. ولی غالب اوقات نمی‌توان آن را به‌دلیل عواملی چون فقدان توانایی و وجود موانع موقعیتی به مثابه متغیر مورد توجه قرار داد. چنان‌که آجزن می‌گوید قصد به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار را در وضعیت‌هایی پیش‌بینی کند که کنترل فاعل بر رفتار کامل نیست. آجزن معتقد است که بیشتر رفتارها در طول طیفی از کنترل کامل تا فقدان کنترل، قابل شناخت هستند. زیرا گاهی فرد کنترل کاملی بر رفتار خود دارد و انجام یک رفتار معین نیز بر او تحمیل نمی‌شود و گاه فرد در وضعیتی کاملاً مخالف کنترل، یعنی فقدان کنترل، قرار دارد که انجام رفتار مستلزم دست‌یابی به منابع و مهارت‌های خاصی است. برای ازبین‌بردن چنین موانعی که واقعی یا ادراک‌شده هستند، آجزن مفهوم سومی را به نام کنترل رفتار ادراک‌شده به مدل فیش باین و آجزن اضافه کرد تا اگر کنترل فرد به رفتار معینی محدود شد، محقق هم قصد و هم رفتار ادراک‌شده فرد را تبیین کند (۱۵). به نظر آجزن (۲۰۰۲) کنترل رفتار ادراک‌شده درواقع باورهای شخصی از سهل یا مشکل‌بودن انجام رفتاری است که احتمال انجام آن از سوی فرد وجود دارد. آجزن اشاره می‌کند که کنترل رفتار ادراک‌شده تحت تأثیر عوامل داخلی ازجمله متغیرهایی چون مهارت‌ها، توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی و عوامل خارجی مانند، زمان، فرصت فراغت و وابستگی به دیگران مهم در اتخاذ تصمیمات جدی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

است (۱۶). کنترل رفتار ادراک‌شده می‌تواند بر قصد، نگرش و هنجارهای ذهنی تأثیر گذاشته و رفتار را به‌طور مستقیم پیش‌بینی نموده و به‌طور موازی در وضعیتی تأثیر کند که رفتار تحت کنترل کامل فرد نیست (۱۷).

در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده آمده که قصد افراد به‌تنهایی ممکن است حتی وقتی نگرش آنها به رفتار و هنجارهای ذهنی مثبت است، از قدرت زیادی برای انجام عمل برخوردار نباشد، زیرا وقتی فردی منابع یا فرصت‌های لازم برای انجام رفتار را در اختیار نداشته باشد، قادر به انجام آن نیست. بنابراین کنترل رفتار ادراک‌شده، نگرش و هنجارهای ذهنی، همگی پیش‌بینی‌کننده قصد رفتاری هستند. مطابق با نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده آجزن، رفتار ورزشی تابعی از قصد ورزشی و کنترل رفتار ادراک‌شده بر آن است. قصد خودش به‌واسطه نگرش و هنجارهای ذهنی مرتبط با ورزش از یک سو و کنترل رفتار ادراک‌شده از سوی دیگر تعیین می‌شود. درباب نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، به نظر می‌آید که می‌توان آن را به‌طور بالقوه در رابطه با ادراک رفتارهای تمرینی (ورزشی) به‌ویژه در فعالیت‌های ورزشی در زمینه‌های عینی هدف توجه قرار داد که غالباً با موانع متعددی مواجه می‌شوند. پس باید گفت این نظریه فقط آن بخش از رفتار را که تحت کنترل ارادی است شامل می‌شود (۱۵). در مدل نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده چند عامل کلیدی شامل نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتارهای ادراک‌شده و رفتارهای پیشین وجود دارند که مجموعه این عوامل بر قصد مشارکت فرد در فعالیت‌های ورزشی تأثیر می‌گذارند.

نگرش:[1] کنیون (۱۹۶۸) نگرش را انعکاس وضعیت رفتاری نسبتاً پیچیده، پنهان و مشاهده‌ناپذیری تعریف می‌کند که هم با شدت و هم به طور مستقیم فرد را به سوی یک هدف خاص به صورت عینی یا ذهنی سوق می‌دهد (۱۸). در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده نگرش قصد فرد را برای شرکت در فعالیتی خاص پیش‌بینی می‌کند. نگرش‌ها در این نظریه به وسعت[2] رفتار مطلوب یا نامطلوب اشاره دارند. بنابراین هرگاه فرد نتیجه مثبتی از فعالیتش مشاهده کند، نگرش او به انجام آن فعالیت مثبت است و احتمال افزایش فعالیت وجود دارد، به همین دلیل اگر فرد پیش‌بینی کند که فعالیت بدنی به خروجی‌های مثبت، ارزشمند و با کمترین ناراحتی می‌انجامد به مشارکت در فعالیتی خاص اقدام می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مفهوم نگرش ارتباط مثبت قوی با قصد افراد برای مشارکت در فعالیت ورزشی دارد. چنان‌که هاگر و دیگران (۲۰۰۲) همبستگی قوی بین نگرش و قصد مشارکت در ورزش را در پژوهش خود تأیید کرده‌اند (۱۹). همچنین فونک و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که نگرش مثبت به تیم‌های فوتبال حرفه‌ای زنان، سبب حفظ ارتباط قوی‌تر تماشاگران با آن تیم می‌شود. بنابراین نگرش‌ها رابطه مثبتی با قصد مشارکت افراد در فعالیتی خاص دارند(۲۰). درحقیقت فراتحلیل هاگر (۲۰۰۲) در حوزه تمرین، و پژوهش آلبرسین و همکاران (۲۰۰۱) در زمینه هدایت و رهبری نشان داد که نگرش ارتباط قوی‌تری با قصد افراد نسبت به هنجارهای ذهنی و کنترل

1- Attitude
2- Extent

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

رفتار ادراک‌شده در انجام فعالیتی خاص دارد (۱۹، ۲۱). از این‌رو در پژوهش حاضر پیش‌بینی می‌شود که افراد با نگرش مثبت بیشتر قصد مشارکت در انجام فعالیت‌های ورزشی داشته باشند.

هنجارهای ذهنی:[1] هنجارهای ذهنی یا انتظارات اجتماعی[2] به تعامل یا عدم تعامل فرد با توجه به نظر دیگران مهم (والدین، همسر و...) اشاره دارد. یعنی شبکه اجتماعی که فرد جزئی از آن است از فرد می‌خواهد تا ازنظر بدنی فعال باشد یا خیر. تحقیقات نشان داد که ارتباط مثبت قوی بین هنجارهای ذهنی با قصد افراد برای مشارکت در فعالیتی خاص وجود دارد. این متغیر در پژوهش‌های مختلف ازجمله درباب ورزش (۱۹)، اوقات فراغت (۲۲) و سلامت (۲۱) تأیید شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند وابستگی اجتماعی[3] در تصمیم‌گیری برای حضور در رویدادهای ورزشی از متغیرهای تأثیرگذار است (۲۴،۲۳). مولین (۲۰۰۰) در پژوهش خود دریافت که کمتر از دودرصد از مصرف‌کنندگان ورزش دانشگاهی و حرفه‌ای به حضور در فعالیت‌های ورزشی به صورت تنهایی تمایل دارند (۲۳). ملنیک (۱۹۹۳) بیان کرد که افراد نیازهای اجتماعی خود را در مکان‌های عمومی ارضا می‌کنند. به نظر او حضور افراد در رویدادهای ورزشی نه‌تنها سرگرمی است، بلکه نیازهای اجتماعی آنان را برآورده می‌کند (۲۵). بررسی پژوهش‌ها نشان داده است که افراد تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و دیگران مهم (والدین، همسر و...) برای حضور در رویدادهای ورزشی قرار دارند. با اینکه احتمال دارد فردی تحت تأثیر افراد دیگری که او را به فعالیت ورزشی تشویق می‌کنند به تنهایی به ورزش مبادرت نماید، اما تقریباً غیرممکن است که فرد به تنهایی و به دور از تأثیرپذیری از دیگران مهم، مشارکت در رویداد ورزشی را انتخاب کند (۱۹). در این پژوهش هنجارهای ذهنی از طریق تعامل یا عدم تعامل فرد با توجه به نظر کسانی که دیگران مهم (والدین، دوستان و...) آنها هستند سنجیده می‌شود. می‌توان انتظار داشت که ارتباط مثبتی بین هنجارهای ذهنی با قصد مشارکت در فعالیت ورزشی وجود داشته باشد.

کنترل رفتار ادراک‌شده:[4] کنترل رفتاری از متغیرهای نظریه کنش منطقی، در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده به متغیر کنترل رفتار ادراک‌شده تغییر یافته است. به نظر آجزن (۲۰۰۲) کنترل رفتار ادراک‌شده، درواقع باورهای شخص از سهل یا مشکل‌بودن انجام رفتاری است که احتمال انجام آن از سوی فرد وجود دارد، با درنظرگرفتن رفتار فرد که نمی‌توان به طور کامل آن را کنترل کرد. در مفهوم کنترل رفتار ادراک‌شده، درک سهولت یا دشواری انجام رفتار نهفته است(۱۶). هاگر (۲۰۰۱) در پژوهش خود انعکاس ارزیابی فرد را از ظرفیت و عوامل محدودکننده یا تسهیل‌کننده در کنش متقابل رفتاری هدف توجه قرار داده است (۲۶). پژوهش‌ها نشان داده است که کنترل رفتار ادراک‌شده هم قصد افراد در انجام رفتار خاص و هم رفتار واقعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۶). هاگر و دیگران (۲۰۰۲) در پژوهش فراتحلیل[5] خود دریافتند که کنترل رفتار ادراک‌شده با قصد افراد برای مشارکت در ورزش و انجام واقعی ورزش ارتباط قوی دارد. معمولاً

1- Subjective norms
2- Social expectations
3- Social affiliation
4- Perceived behavioural control
5- Meta-analysis

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

نگرش‌ها و کنترل رفتار ادراک‌شده پیش‌بینی‌کننده قوی قصد افراد برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی هستند (۱۹). با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده پیش‌بینی می‌شود کنترل رفتار ادراک‌شده ارتباط مثبت و مؤثری با قصد مشارکت افراد در ورزش داشته باشد.

تجربه گذشته (رفتار پیشین):[1] با استفاده از متغیرهای نظریه کنش منطقی و بسط آنها در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده سعی شده از آنها برای شناخت انگیزه‌های مشارکت افراد در فعالیت‌های بدنی و حوزه ورزش استفاده شود. در حوزه ورزش، سه متغیر نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده با یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند و به این سه متغیر، متغیر رفتار پیشین نیز اضافه شد (۱۹، ۱۶). تحقیقات نشان داد که رفتار پیشین همراه با نگرش‌ها، و هنجارهای ذهنی، و کنترل رفتار ادراک شده با قصد و رفتار واقعی افراد ارتباط دارد (۲۱،۱۳). محققان بر این عقیده هستند که نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده براساس رفتار پیشین به وجود می‌آیند. پیش‌بینی می‌شود در این زمینه رفتار پیشین ازطریق نگرش، هنجارهای ذهنی، و کنترل رفتار ادراک‌شده بر قصد و رفتار واقعی افراد اثر بگذارد (۱۰). اثر رفتار پیشین بر رفتار آینده می‌تواند به صورت مستقیم و ازطریق نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده مشاهده شود (۲۷،۱۹). هاگر (۲۰۰۱) در فراتحلیل خود به پشتیبانی تجربی برای این موضوع در زمینه ورزش دست یافت. از طرف دیگر، رفتار پیشین می‌تواند نتیجه نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده باشد. در این حالت رفتار گذشته به مثابه یک واسط نسبت به رفتار سابق عمل می‌کند (۲۶). بنتلر و اسپیکارد (۱۹۷۹) پذیرفته‌اند که رفتار پیشین به صورت درخور ملاحظه‌ای بر قصدها و رفتارهای آینده اثر می‌گذارد (۲۸). بنابراین می توان انتظار داشت که رفتار پیشین در هماهنگی با نگرش‌ها، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی ارتباط مثبتی با قصد مشارکت در ورزش داشته باشد.

قصد:[2] پیش‌بینی می‌شود قصد افراد مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده برای مشارکت آنها در یک فعالیت خاص باشد. آجزن (۱۹۸۵) گفت «قصد افراد دربرگیرنده عوامل انگیزشی مؤثر بر رفتار است. قصد شاخصی برای میزان میل به تلاش و برنامه‌ریزی برای عملکرد را بیان می‌کند» (۴). گریفث (۲۰۰۰) در پژوهش خود دریافت که قصد ترک کاری بهترین پیش‌بینی‌کننده برای انجام‌ندادن آن کار است (۲۹). هاگر و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود دریافتند که قصد با رفتار واقعی ارتباط قوی دارد. بنابراین شواهد درخور توجهی وجود دارد: زمانی که فرد قصد انجام کاری را دارد احتمالاً آن کار را انجام می‌دهد (۱۹). با توجه به مدل نظری مطرح در این پژوهش، بررسی رابطه بین متغیرهای نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار ادراک‌شده و رفتار پیشین با قصد مشارکت در ورزش و انجام رفتار واقعی به آزمون گذاشته می‌شود تا قدرت تبیین متغیرهای این نظریه در جامعه ما آزموده شود.

1- Previous Behaviour
2- Intention

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش، که بررسی تجربی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین مطرح در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بوده است، این پژوهش با رویکردی کمّی و به روش توصیفی- پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه یزد در سال تحصیلی۹۱ بوده‌اند که ۳۶۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه مقیاس اصلاح‌شده رفتار برنامه‌ریزی‌شده (آجزن۲۰۰۱) بوده است (۳۰). پرسش‌نامه با توجه به وضعیت اجتماعی-فرهنگی جامعه تحت مطالعه، همراه با اصلاحاتی که در آن به عمل آمده مورد استفاده قرار گرفته است. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه تحقیق از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین‌منظور، پرسش‌نامه اصلاح‌شده در اختیار هشت‌نفر از متخصصان حوزه مطالعات ورزشی قرار گرفت و از نظر آنان برای شناسایی اعتبار شاخص‌ها استفاده شد. بدین‌طریق اعتبار صوری ابزار تأمین گردید. سپس این پرسش‌نامه در یک گروه ۳۵ نفری از دانشجویان اجرا شد و مجدداً مفاد پرسش‌نامه ازنظر قابل فهم‌بودن در جامعه مخاطب تحت بازنگری قرار گرفت و درنهایت پس از انجام برخی اصلاحات از اعتبار صوری آن اطمینان حاصل شد. همراه با سنجش مقیاس رفتار برنامه‌ریزی‌شده ورزشی، سؤالات مربوط به شناسایی نیز مطرح شدند. برای ارزیابی مقیاس رفتار برنامه‌ریزی‌شده از طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. مقدار ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای ابزار اندازه‌گیری بالاتر از ۰/۷۵ برای هریک از خرده‌مقیاس‌ها در سطح α=۰/۰۵ درصد (جدول ۱) معنی‌دار بوده است که نشان از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل آماری داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. روش توصیفی شامل محاسبه فراوانی‌ها، درصدها، میانگین‌ها و انحراف معیارها بوده و از آمار استنباطی برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شده است. بدین منظور از آزمون همبستگی پیرسون به منظور شناخت رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با قصد مشارکت در ورزش (متغیر ملاک) استفاده کردیم تا مشخص شود متغیرهای پیش‌بین با قصد مشارکت (متغیر ملاک) رابطه دارند یا نه. درنهایت از روش رگرسیون گام به گام به منظور تعیین سهم و نقش هریک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه (متغیر ملاک) استفاده شده است.

برای سنجش متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، از شاخص‌های هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار ادراک‌شده، رفتار پیشین و نگرش استفاده شده است. در شاخص هنجارهای ذهنی از چهارگویه شامل افرادی که برای من مهم‌اند؛ افرادی که با من صمیمی‌اند (اعضای خانواده)؛ دوستان؛ و نزدیکان سود برده شده است. در شاخص کنترل رفتار ادراک‌شده، از دو گویه شامل وقت و پول کافی؛ در شاخص رفتار پیشین از دو گویه شامل شرکت در رشته ورزشی محبوب، شرکت در رشته‌های ورزشی دیگر؛ و در شاخص نگرش از شش

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

گویه شامل لذت‌بخش‌بودن، هیجان‌انگیز بودن، جذاب‌بودن، سرگرم‌کننده بودن، نشاط‌انگیز بودن (شادی‌بخش) و خوشایندبودن فعالیت ورزشی استفاده شده است و برای سنجش متغیر قصد مشارکت (ملاک) در فعالیت‌های ورزشی از سه گویه که شامل میل به مشارکت، برنامه‌ریزی برای مشارکت و شرکت در رشته محبوب برطبق سؤالات مقیاس استفاده شده است. برای پاسخگویی به این گویه‌ها از طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نسبتاً موافق، نسبتاً مخالف، کاملاً مخالف) استفاده شده است که مبتنی بر مقیاس اصلاح‌شده رفتار برنامه‌ریزی‌شده بوده است.

یافته‌ها

میانگین سنی دانشجویان تحت مطالعه ۲۲/۴ بوده است. ۶۰/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۳۹/۲ درصد متأهل بوده‌اند. ۲۶/۷ درصد از پاسخگویان بیکار و ۲۶/۹ درصد شاغل و۴۱/۱ سایر موارد را علامت زده‌اند. در بررسی ارتباط بین برخی متغیرهای اجتماعی-جمعیت‌شناختی، متغیر درآمد رابطه معنی‌داری با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی داشته است. ولی بین جنس، سن، تأهل و محل سکونت رابطه معنی‌داری با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی مشاهده نشده است.

همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین با قصد مشارکت در ورزش: فرض رابطه بین متغیرهای پیش‌بین در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده با قصد مشارکت در ورزش را داده‌های جمع‌آوری‌شده به طور قوی تأیید کردند. نتایج آزمون همبستگی‌های چندمتغیره همبستگی مثبت معنی‌داری را بین نگرش با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۶۳۰ هنجارهای ذهنی با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۵۲۷ و کنترل رفتار ادراک‌شده با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۵۶۴ با قصد مشارکت در ورزش نشان داده است. بین نگرش با هنجارهای ذهنی با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۵۸۸ و با کنترل رفتار ادراک شده با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۵۳۶ همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین هنجارهای ذهنی با کنترل رفتار ادراک‌شده با مقدار p>۰/۰۰۱؛ r=۰/۵۷۰ همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشته است؛ ولی بین رفتار پیشین با قصد مشارکت در ورزش و بین رفتار پیشین با دیگر متغیرها همبستگی معنی‌داری مشاهده نشده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین با قصد مشارکت ورزشی

	α	M	SD	۱	۲	۳	٤	٥
قصد مشارکت	۰/۷۷	۱/۸۰	۰/۹۷	۱/۰۰۰				
نگرش	۰/۹۲	۱/۶۳	۰/۸۷	***۰/۶۳۰	۱/۰۰۰			
هنجارهای ذهنی	۰/۸۱	۲/۰۱	۱/۱۳	***۰/۵۲۷	***۰/۵۸۸	۱/۰۰۰		
کنترل رفتار ادراک‌شده	۰/۷۸	۲/۴۰	۱/۴۱	***۰/۵۶۴	***۰/۵۳۶	***۰/۵۷۰	۱/۰۰۰	
رفتار پیشین	۰/۷۶	۱/۷۲	۱/۴۱	۰/۰۲۶	۰/۴۱	۰/۰۱۳	۰/۵۸	۱/۰۰۰

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

رگرسیون گام به گام

به منظور ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای پیش‌بین مطرح در مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده، که روابط آنها قبلاً به آزمون گذاشته شده، از روش تحلیل خطی چندمتغیره گام به گام استفاده شده است. جهت استفاده از رگرسیون گام به گام با توجه به نتایج آزمون فرضیات تنها متغیرهای پیش‌بینی در معادله وارد شده‌اند که براساس نتایج آزمون‌ها رابطه معنی‌داری میان آنها با متغیر ملاک مشاهده شده است. بنابراین شاخص‌های نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی به منزله متغیرهای پیش‌بین مدنظر قرار گرفتند. همان‌طور که جدول ۲ نشان داده است، تحلیل رگرسیون گام به گام سه‌گام پیشرفته است. در گام اول، متغیر نگرش وارد معادله شد که میزان ضریب همبستگی آن (R) با متغیر وابسته ۰/۶۳۰ به دست آمده است. در این مرحله، ضریب تعیین برابر ۰/۳۹۷= R^2 و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۳۹۵= $R^2_{(Ad)}$ به دست آمده است. با واردشدن دومین متغیر، یعنی کنترل رفتار ادراک‌شده، ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۸۵= R، ضریب تعیین ۰/۴۶۹= R^2 و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۴۶۶= $R^2_{(Ad)}$ افزایش یافته است. با واردشدن سومین متغیر، یعنی هنجارهای ذهنی، ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۹۲= R، ضریب تعیین ۰/۴۷۹= R^2 و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۴۷۵= $R^2_{(Ad)}$ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، براساس ضریب تعیین تعدیل شده ۴۷/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رفتار برنامه‌ریزی‌شده) به‌وسیله سه متغیر نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی تبیین می‌شود. متغیر نگرش، متغیر کنترل رفتار ادراک‌شده در سطح ۰/۰۹۹۹ و هنجارهای ذهنی در سطح ۰/۰۹۹ معنی‌دار هستند. این درحالی است که میزان خطای دیگر متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ درصد بوده است و به همین دلیل وارد معادله رگرسیونی نشده‌اند. قضاوت درباره سهم متغیرهای نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی در تبیین متغیر ملاک براساس ضریب بتا، ضریب بتای نگرش (۰/۶۸۵ درصد)، به مراتب بیشتر از ضریب بتای کنترل رفتار ادراک‌شده (۰/۲۱۴درصد) و هنجارهای ذهنی (۰/۱۱۲ درصد) است. لذا سهم و نقش نگرش در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر از متغیر کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی بوده است. براساس بتای استاندارد به‌دست‌آمده برای نگرش به‌ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار نگرش، به‌اندازه ۰/۶۳۰ در انحراف معیار متغیر قصد مشارکت تغییر ایجاد می‌شود. درحالی‌که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار کنترل رفتار ادراک‌شده تنها ۰/۴۵۹ و به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار هنجارهای ذهنی تنها ۰/۱۳۴ درصد در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می‌شود. از این‌رو سهم و نقش نگرش در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر از کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی بوده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام همراه با ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل‌شده F و P

متغیر	R ضریب همبستگی	R^2 ضریب تعیین	$R^2_{(Ad)}$ ضریب تعیین تعدیل شده	خطای برآورد	تغییرات ضریب تعیینR	F	P
نگرش	۰/۶۳۰	۰/۳۹۷	۰/۳۹۵	۰/۷۳۷	۰/۳۹۷	۲۳۵/۵۷۵	۰/۰۰۰***
کنترل رفتار ادراک شده	۰/۶۸۵	۰/۴۶۹	۰/۴۶۶	۰/۶۹۲	۰/۰۷۲	۱۵۷/۷۲۰	۰/۰۰۰***
هنجارهای ذهنی	۰/۶۹۲	۰/۴۷۹	۰/۴۷۵	۰/۶۸۲	۰/۰۱۰	۱۰۹/۴۵۹	۰/۰۰۹**

جدول ۳. رگرسیون گام به گام همراه با ضرایب بتا، ضرایب استاندارد شده بتا Tو P

متغیر	ضرایب بتا	ضرایب استاندارد شده بتا	t	P
نگرش	۰/۶۸۵	۰/۶۳۰	۱۵/۳۴۸	۰/۰۰۰***
نگرش	۰/۵۰۰	۰/۴۵۹	۱۰/۰۶۱	۰/۰۰۰***
کنترل رفتار ادراک شده	۰/۲۱۴	۰/۳۱۸	۶/۹۶۹	۰/۰۰۰***
نگرش	۰/۴۴۲	۰/۴۰۷	۸/۱۹۵	۰/۰۰۰***
کنترل رفتار ادراک شده	۰/۱۸۲	۰/۲۷۰	۵/۵۳۹	۰/۰۰۰***
هنجارهای ذهنی	۰/۱۱۲	۰/۱۳۴	۲/۶۱۹	۰/۰۰۹**

P* <۰/۰۵ ؛ P** < ۰/۰۱ ؛P*** < ۰/۰۰۱

بحث

لیوایس و دیگران بیان کرده‌اند که بهترین و رضایت‌بخش‌ترین مقیاس‌ها آنهایی هستند که برمبنای دیدگاه‌های نظری به بیان روابط بین متغیرها اقدام کنند(۳). با وجود لزوم به‌کارگیری نظریات در درک رفتار مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی، این ضعف در پژوهش‌های ورزشی وجود دارد که به نظریه‌ها در شناخت و پیش‌بینی اهمیت داده نمی‌شود. مطالعه حاضر قصد مشارکت دانشجویان را در فعالیت‌های ورزشی با استفاده از متغیرهای پیش‌بین در مدل نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده (۴) بررسی کرده است. با وجود استفاده گسترده از این نظریه در حوزه سلامت(۲۱)، پژوهشی در حوزه ورزش در ایران با استفاده از این نظریه درجهت شناخت قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی انجام نگرفته است. این پژوهش سعی کرده است با استفاده از متغیرهای پیش‌بین در نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده با توجه به وضعیت اجتماعی-فرهنگی جامعه ما، آنها را تعریف و عملیاتی کند و بیازماید. نتایج کسب‌شده آزمون همبستگی چندمتغیره در این پژوهش، رابطه بین عوامل تعیین‌کننده (متغیرهای پیش‌بین) و قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (متغیر ملاک) را بین دانشجویان تأیید کرده است. در پژوهش حاضر برمبنای دیدگاه نظری پیش‌بینی می‌شد دانشجویان با نگرش مثبت، بیشتر قصد مشارکت در انجام فعالیت‌های ورزشی را داشته باشند که تأیید شده است. با توجه به اینکه پژوهش‌ها نشان داده‌اند افراد تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و دیگران مهم (والدین، همسر و...) برای مشارکت در رویدادهای ورزشی قرار دارند، نتایج تحقیق ارتباط مثبت بین هنجارهای ذهنی را با قصد مشارکت در فعالیت ورزشی تأیید کرده است. برمبنای دیدگاه نظری، کنترل رفتار ادراک‌شده که هم قصد افراد

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

در انجام رفتار خاص و هم رفتار واقعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها ارتباط مثبت آن را با قصد مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تأیید کرده‌اند، اما متغیر رفتار پیشین که به مدل نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده اضافه شده بود و پیش‌بینی می‌شد که با قصد و رفتار واقعی دانشجویان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه داشته باشد، ارتباطی با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نداشته است و باید در پژوهش‌های بعدی بررسی شود. یافته‌ها در رگرسیون گام به گام نشان داد که نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی از قوی‌ترین پیش‌بین‌ها در مدل نظری رفتار برنامه‌ریزی‌شده بوده و نشان از آن دارد که این سه متغیر از قدرت تبیین بالایی در پیش‌بینی قصد مشارکت در رفتار ورزشی برخوردارند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشی پیشین هاگر و همکاران هم‌خوانی دارد (۲۰۰۲) که بر همبستگی قوی بین متغیر نگرش با قصد مشارکت در ورزش تأکید کرده‌اند (۱۹). همچنین با یافته‌های پژوهشی آلبرسین و همکاران (۲۰۰۱) یکسان است که معتقد بودند نگرش ارتباط قوی‌تری با قصد مشارکت نسبت به هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک‌شده دارد (۲۱). همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشی آجزن و همکاران (۱۹۹۲) هم‌خوانی دارد که بر همبستگی بین مؤلفه هنجارهای ذهنی با قصد مشارکت در فعالیتی خاص تأکید کرده‌اند (۲۲). همچنین نتایج این پژوهش با نتایج ترایل و جیمز (۲۰۰۱) یکسان است که همبستگی بین هنجارهای ذهنی را با مصرف ورزش تأیید کرده‌اند (۱). یافته‌های این پژوهش درباره رابطه بین تجربه گذشته (رفتار پیشین) با قصد مشارکت در ورزش در این پژوهش تأیید نشده است و با نتایج هاگر، نورمان و یاردی هم‌خوانی نداشته است(۱۹، ۲۷)، که باید در پژوهش‌های بعدی با تأکید بر زیرمقیاس‌های آن دلایل عدم ارتباط آن با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تحت بررسی قرار گیرد. در این پژوهش مانند پژوهش‌های قبلی پیش‌بینی می‌شد که نگرش افراد مهم‌ترین عامل برای شرکت افراد در یک فعالیت خاص باشد. هاگر و همکاران (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود دریافتند که نگرش با قصد رفتاری ارتباط قوی دارد که در این پژوهش نیز تأیید شد (۱۹). نتایج رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که متغیرهای پیش‌بین نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی بیش از ۴۷/۵ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند که با یافته‌های هاگر و همکاران (۲۰۰۲) هم‌خوانی دارد که توانستند در پژوهش خود ۴۴ درصد از واریانس را تبیین کنند (۱۹).

نتیجه

آنچه در این پژوهش بیش از همه جلب توجه کرده است، میزان اثرگذاری متغیر نگرش است. نقش این متغیر بر قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، قوی‌تر از متغیر کنترل رفتار ادراک شده و هنجارهای ذهنی و دیگر متغیرها بوده است که تأیید مجددی بر یافته‌های فرنچ و همکاران (۲۰۰۵) بوده که در پژوهش خود دریافتند نگرش و هنجارهای ذهنی عامل‌های مهمی در تبیین قصد مشارکت بوده‌اند(۱۰). این موضوع با مراجعه به تحلیل رگرسیون گام به گام این پژوهش به‌خوبی آشکار می‌شود. از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

گرفت که با تأکید بر شناخت عوامل مرتبط با نگرش مثبت دانشجویان می‌توان سبب افزایش قصد مشارکت آنان شد، که تأییدکننده یافته‌های دارکر و همکاران (۲۰۰۷) است: آنها متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده را مقیاس قابل اطمینانی برای بررسی قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معرفی کرده‌اند (۹). اما باید گفت هرچند عوامل تحت بررسی در جامعه تحقیق توانسته‌اند بیش از ۴۷ درصد از واریانس قصد مشارکت در ورزش را تبیین کنند و نتایج با یافته‌های سیمونز و دیگران (۲۰۰۵) هم‌خوان است که در بررسی تجربی خود توانستند نزدیک به نیمی از واریانس قصد افراد را از شرکت در فعالیت‌های ورزشی هم‌خوان است تبیین کنند (۱۱)، باید اذعان کرد که همچنان درصد بالایی از واریانس قصد مشارکت در ورزش در جامعه تحت مطالعه تبیین‌نشده باقی‌مانده است که باید در پژوهش‌های بعدی توجه بیشتری به پیش‌بین‌های دیگر اعم از فردی و اجتماعی معطوف گردد.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

یافته‌ها و نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌توانند برای بهبود افزایش مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی کاربرد داشته باشند. با توجه به اینکه مشارکت در ورزش، موضوعی چندوجهی و همراه با متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و زیست‌شناختی است، لازم است در پژوهش‌های بعدی امکان شناخت متغیرهای مرتبط موضوع فراهم شود که قدرت تبیین بیشتری دارند. از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری است. بنابراین تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام شود. محدودیت دیگر این مطالعه آن است که تنها در بین سنی خاص بررسی انجام شده است. در حالی که برای اثبات کارایی نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در پیش‌بینی قصد افراد لازم است که در سنین دیگر هم به‌کار گرفته شود. به طور خلاصه، هدف این مطالعه به‌کارگیری تجربی نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده برای پیش‌بینی قصد مشارکت در ورزش بوده است که متغیرهای نگرش، کنترل رفتار ادراک‌شده و هنجارهای ذهنی حمایت قوی نشان داده‌اند پژوهش نشان داد که نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده می‌تواند چارچوب مفیدی برای مطالعه قصد و رفتار مشارکت‌کنندگان در ورزش باشد، زیرا توانسته بیش از ۴۷/۵ درصد از واریانس مشارکت را تبیین کند.

منابع

1- Trail, G.T, & James, J.D. (2001). The motivation scale for sport consumption: Assessment of the scale's psychometric properties. Journal of Sport Behaviour, 24, 108–127.
2-Slack, T. (1998). Is there anything unique about sport management? European Journal for Sport Management, 5(2), 21–29.
3-Lewis, L.M., Melton, R.S, Succop, P.A, & Rosenthal, S.L. (2000). Factors influencing condom use and STD acquisition among African American college women. Journal of American College Health, 49, 19–23.
4-Ajzen, I. (1985). From intentions to actions: A theory of planned behaviour. In J. Kuhl & J. Backmann (Eds.), Action-control: From cognition to behaviour (pp. 11–39). Heidelberg: Springer.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

5-Hausenblas, H.A, Carron, A.V, & Mack, D.E. (1997). Application of the theory of reasoned action and planned behaviour to exercise behaviour: A meta-analysis. Journal of Sport and Exercise Psychology, 19, 36–41
6-Frost, S, Myers, L.B, & Newman, A.P. (2001). Genetic screening for Alzheimer's disease: What factors predict intentions to take a test? Behavioural Medicine, 27(3), 101–109.
7- Hrubes, D., & Daigle, J. (2001). Predicting hunting intentions and behaviour: An application of the theory of planned behaviour. Leisure Sciences, 23(3), 165–178.
8- Kalafatis, S.P, Pollard, M., East, R., & Tsogas, M.H. (1999). Green marketing and Ajzen's theory of planned behaviour: A cross-market examination. Journal of Consumer Marketing, 16, 441–460.
9- Darker, C.D., French, D.P., Longdon, S., Morris, K., & Eves, F.F. (2007). Are beliefs elicited biased by question order? A theory of planned behaviour belief elicitation study about walking in the UK general population. British Journal of Health Psychology, 12, 93-110.
10- French, D.P., Sutton, S.R., Hennings, S.J., Mitchell, J., Wareham, N.J., Griffen, S., Hardeman, W. & Kinmonth, A.L. (2005). The importance of affective beliefs and attitudes in the theory of planned behavior: Predicting intentions to increase physical activity. Journal of Applied Social Psychology, 35, 1824-1848.
11- Symons Downs, D., & Hausenblas, H. A. (2005). Elicitation studies and the theory of planned behavior: A systematic review of exercise beliefs. Psychology of Sport and Exercise, 6, 1-31.
12- Jackson, C., Smith, A.R., & Conner, M. (2003). Applying an extended version of the theory of planned behaviour to physical activity. Journal of Sports Sciences, 21, 119–133.
13- Kosma, M., Ellis, R., Cardinal, B. J., Bauer, J. J., & McCubbin, J. A. (2007). The mediating role of intention and stages of change in physical activity among adults with physical disabilities: An integrative framework. Journal of Sport & Exercise Psychology, 29, 21-38.
14- Kim, Y. H. (2004). Korean adolescents' exercise behavior and Its relationship with psychological variables based on stage of change model. Journal of Adolescent Health, 34, 523-530.
۱۵- پارسامهر مهربان(۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی(مطالعه موردی: استان مازندران) رساله دکترا، دانشگاه اصفهان، ۵۰-۴۸.
16- Ajzen, I. (2002). Residual effects of past on later behaviour: Habituation and reasoned action perspectives. Personality and Social Psychology Review, 6, 107–122.
17- Godin, G, Valois, P, Shephard, R. J. (1990) Prediction of leisure-time exercise behaviour: A path analysis (LISREL V) model. Journal of Behavioural Medicine 10, 145-158.
18- Kenyon,G.S.(1968).Six scales for assessing attitude toward physical activity. Research Quarterly,39,566-567.
19- Hagger, M.S, Chatzisarantis, N.L.D., & Biddle, S.J. (2002). A meta-analytic review of the theories of reasoned action and planned behaviour in physical activity: Predictive validity and the contribution of additional variables. Journal of Sport and Exercise Psychology, 24, 3–32.
20- Funk, D.C, Haugtvedt, C.P., & Howard, D .R. (2000). Contemporary attitude theory in sport: Theoretical considerations and applications. Sport Management Review, 3, 125–144.
21- Albarracin, D, Johnson, B.T, Fishbein, M., & Muellerleile, P.A. (2001). Theories of reasoned action and planned behaviour as models of condom use: A meta-analysis. Psychological Bulletin, 127, 142–161.
22- Ajzen, I, & Driver, B.L. (1992). Application of the theory of planned behaviour to leisure choice. Journal of Leisure Research, 24, 207–224.
23- Mullin, B.J, Hardy, S, & Sutton, W.A. (2000). Sport marketing (2nd ed.). Champaign, IL: Human Kinetics.
24- Trail, G.T, Anderson, D.F, & Fink, J.S. (2002). Examination of gender differences in importance of and satisfaction with venue factors at intercollegiate basketball games. International Sports Journal, 6(1), 51–64.
25- Melnick, M.J. (1993). Searching for sociability in the stands. A theory of sports spectating. Journal of Sport Management, 7, 44–60.
26- Hagger, M.S, Chatzisarantis, N, & Biddle, S.J. (2001). The influence of self-efficacy and past behaviour on the physical activity intentions of young people. Journal of Sports Sciences, 19, 711–725.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

27- Norman, P, Conner, M, & Bell, R. (1999). The theory of planned behaviour and smoking cessation. Health Psychology, 18, 89–94.
28- Bentler, P.M, & Speckart, G. (1979). Models of attitudes-behaviour relations. Psychological Review, 86, 452–464.
29-Griffeth, R.W, Hom, P.W., & Gaertner, S. (2000). A meta-analysis of antecedents and correlates of employee turnover: Update, moderator tests, and research implications for the next millennium. Journal of Management, 26, 463–488.
30- Ajzen, I. (2001). Construction of a standardized questionnaire for the Theory of Planned Behaviour. Unpublished manuscript. [On-line]. Available: http://www-unix.oit.umass.edu /~ aizen.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]

A survey about individuals motives of participation intention in sports activity (Experimental test of the theory of planned behaviour)

Parsa Mehr, M., (Ph.D.), Yazd University.

Abstract

Purpose: In this study, the theory of planned behaviour was used to better understand participation in sport. Method: This study used survey & cross-sectional method. Data were gathered from 360 student's university of Yazd. The collection instrument of data was planned behaviour scale revised. Results: Results from the empirical test of the theory of planned behaviour with students participating in sport activities showed that the items formed reliable scales (up ./75). Pearson correlation test demonstrated that three variables predictor's attitude, subjective norms and perceived behaviour control were related to participation of students in sport activities. The results of stepwise regression analysis revealed that attitudes in the first place and perceived behaviour control in the second place and subjective norms in the third place were the dominant predictors in scale planned behaviour. Independent variables (attitude, subjective norms and perceived behaviour control) accounted for 47.5 unique variance participation intentions in sport. Conclusion: The stepwise regression analysis showed that attitude, subjective norms and perceived behaviour control predictors of explained partly of variance under study variables.

Keywords: Attitude, Subjective norms, Intention, Perceived behaviour.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-02]